روزنامه شرق

اندیشه

آنجا ستاره‌ای خاموش است، گفت‌وگو با «سهراب راهوار» صفحه ۸

گرامیداشت خدمات علمی مرحوم «پروانه وثوق» صفحه ۹

شهری با کتابخانه‌های زیاد اما کم‌رونق صفحه ۱۰

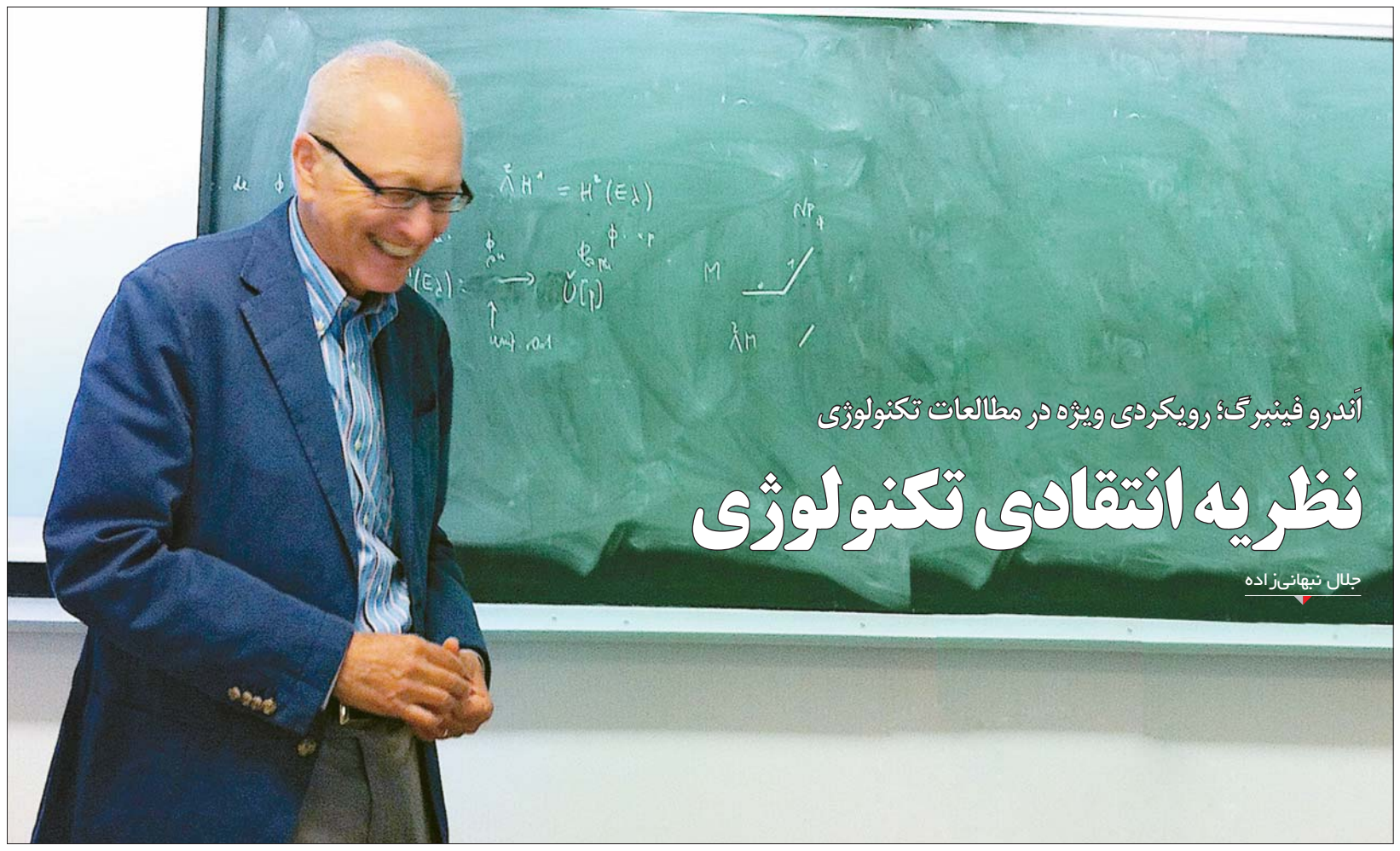

اَندرو فینبرگ؛ رویکردی ویژه در مطالعات تکنولوژی

نظریه انتقادی تکنولوژی

جلال نبهانی‌زاده

رابطه بین علم، تکنولوژی و فرهنگ در جامعه مدرن معاصر از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. به‌خصوص با پایان دوران جنگ سرد رابطه بین نظام‌های علمی، تکنولوژیکی و اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. مطالعات تکنولوژی، پژوهش درباره چگونگی تاثیرگذاری ارزش‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بر نوآوری تکنولوژیکی و بررسی نتایج آن است. مطالعات تکنولوژی، با تاکید بیشتر بر زمینه‌های اجتماعی علم و تکنولوژی، به تاریخ و فلسفه علم و تکنولوژی وابسته است. در این حوزه، پرسش‌های متعددی مطرح هستند. در سال‌های اخیر پاسخگویی به برخی از این پرسش‌ها در میان صاحبنظران چالش‌برانگیز شده است. در اینکه متخصصان، چگونه باید نسبت به شرح و توضیح ارزیابی‌های خود، در رابطه با تکنولوژی‌های خاص با افکار عمومی ارتباط برقرار کنند و جامعه چگونه استاندارد ریسک‌ها و ایمنی را بسنجد، اختلاف‌نظرهای زیادی وجود دارد. خصوصا در میان صاحبنظران در پاسخ به این پرسش که چه کسانی باید در تصمیم‌گیری‌های تکنولوژیکی سهیم باشند، نام پروفسور اَندرو فینبرگ بیشتر به چشم می‌خورد. اَندرو فینبرگ از جمله فیلسوفان معاصری است که به‌طور ویژه، پژوهش‌های خود را به مطالعات تکنولوژی اختصاص داده است. تاکید بر دگرگونی تکنولوژی با رویکردی دموکراتیک، بحث اصلی فینبرگ در مطالعات تکنولوژی است. پروفسور اَندرو فینبرگ در سال ۱۹۴۳میلادی متولد شد. وی در سال ۱۹۶۵میلادی لیسانس خود را از دانشگاه جان هاپکینز آمریکا دریافت کرد و دکترای خود را با ارایه رساله‌ای با عنوان «گفت‌وگوی نظریه و عمل» در سال ۱۹۷۳میلادی دفاع کرد. وی استاد اسبق دانشگاه ایالتی سن‌دیگو از سال ۱۹۶۱میلادی تا سال ۲۰۰۳میلادی بود و در حال حاضر کرسی پژوهشی فلسفه تکنولوژی در کانادا را در اختیار دارد. همچنین او استاد فلسفه تکنولوژی در دانشکده ارتباطات دانشگاه سیمون فریزر در ونکوور کاناداست. فینبرگ با ارایه نظریه‌ای با عنوان «نظریه انتقادی تکنولوژی» که در کتابی با همان نام در سال ۱۹۹۱میلادی و در کتاب «دگرگونی تکنولوژی» در سال ۲۰۰۲میلادی مطرح کرد به شهرت رسید. از شناخته‌شده‌ترین کتب انتشاریافته وی می‌توان به کتاب «پرسش کردن از تکنولوژی» (در سال ۱۹۹۹ میلادی) و کتاب «تجدد و تکنولوژی» (در سال ۲۰۰۳ میلادی) اشاره کرد. وی بیش از صد عنوان مقاله و یادداشت پژوهشی و فلسفی در حوزه فلسفه تکنولوژی و در نقد مدرنیته و فیلسوفان معاصر ارایه داده است. او در کتاب اخیرش با نام «اختراع (دوباره‌ی) اینترنت» با رویکردی عمل‌گرایانه به مطالعه موردی درباره تکنولوژی اینترنت و دموکراتیک‌سازی اینترنت پرداخته است. در مقالات تازه انتشاریافته وی، سرشت و روش ارتباط در عصر دیجیتال با اندیشه‌ای انتقادی بررسی می‌شود. همچنین او از «ده تناقض‌نمای تکنولوژی» در سمینارها و همایش‌های بزرگ بین‌المللی نام برده و در دانشگاه‌های مشهور اروپا و شرق آسیا سخنرانی کرده است. وی از منتقدان شگردهای ارتباطاتی قرن بیست‌ویکم نیز هست و البته معتقد است تکنولوژی را می‌توان تحت سلطه انسان درآورد و به این موضوع امیدوار است. مطالعات فلسفی تکنولوژی در نظر فینبرگ از طریق اتخاذ چهار رویکرد قابل بررسی است. این رویکردها عبارتند از: ۱-ساخت‌گرایی هرمنوتیک، ۲-تاریخ‌گرایی، ۳-دموکراسی فنی، ۴-فرانظریه تکنولوژی. در ادامه به‌صورت مختصر به بیان این رویکردها پرداخته می‌شود.

ساخت‌گرایی هرمنوتیک

تکنولوژی محصول عقلانیتی منحصربه‌فرد نیست، بلکه ترکیبی از عوامل فنی و اجتماعی است. مطالعه این عوامل حتما باید روش‌های تجربی علم اجتماعی را در بر گیرد. علاوه بر این، مطالعات در این زمینه روش‌های قابل ترجمه از علوم انسانی در معناکردن اشیای فنی و فعالیت‌های مشارکتی در این عرصه را نیز در بر می‌گیرد. چیزی که به‌عنوان خودرو یا تلویزیون نام‌گذاری شده، در فرآیندهای اجتماعی که آغازگر تعاریف آن اشیا هستند، معنا می‌یابد. به عبارت دیگر نقش ویژه‌ای که اجتماع انسانی به اشیا اعطا می‌کند به آنها معنا می‌بخشد. تکنولوژی به خودی خود نمی‌تواند تعیین‌کننده برآمد این فرآیندهای اجتماعی پیچیده باشد. یعنی تکنولوژی نمی‌تواند تعیین کند که از این فرآیندهای اجتماعی ویژه چه چیزی حاصل خواهد شد. در حالی‌که دیدگاه‌های متضاد جهان‌بینی، جایگزین‌هایی را برای تکنولوژی شکل می‌دهند، نمی‌توان نتیجه فهم چگونگی این جهان‌بینی‌ها را بدون در نظرگرفتن اشیا در تکنولوژی خاص درک کرد. این مشکلات ادراکی باید به اندازه کافی در مطالعات تکنولوژی در نظر گرفته شوند. فینبرگ در این رابطه تاکید می‌کند «مطالعات تکنولوژی سهم ویژه‌ای در علوم انسانی دارد».

تاریخ‌گرایی

به نظر فینبرگ «اتخاذ رویکرد تاریخ‌محورانه توماس کوون در تاریخ علم در سال‌های اخیر برای مطالعات تکنولوژی سودمند بوده است.» به بیان وی به جای توجه به پیشرفت تکنولوژیکی به‌عنوان دنباله قطعی از تحولات، به ما آموخته شده است تا آن را یک فرآیند محتمل که می‌تواند در جهات مختلف راهبری شود، در نظر بگیریم. فینبرگ این رویکرد را در موضوعات مختلف و مهم تکنولوژی به کار برده است. فعالیت‌های او نشان می‌دهد که چگونه توهم بی‌طرفی و خودمختاری حرفه‌های فنی از مسیری که تاریخ‌شان را می‌سازد، خود را نمایان می‌کنند. مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که افکار عمومی اثری عمیق بر روی جهت توسعه فنی خواهد گذاشت. فینبرگ در این رابطه مطالعاتی را انجام داده است. بیان مسایلی متنوع در ارتباط با فرض معارضه بین ایدئولوژی و تکنولوژی نقش تاریخ‌گرایی را روشن‌تر خواهد کرد. آنچه فینبرگ از این معارضه دریافته، این است که توسعه فنی از آنچه تاکنون تصور می‌شد به‌مراتب انعطاف‌پذیرتر است و از قابلیت درونی‌سازی طرح‌های عمومی در ارزش‌های حمایتی جامعه برخوردار است.

دموکراسی فنی

جامعه‌ای فنی به یک فضای عمومی دموکراتیک و حساس به امور فنی نیاز دارد. اما این دشوار است که به بسط دموکراسی به تکنولوژی از طریق روش‌هایی مانند رای‌دادن متوسل شد. با وجود چند مورد استثنا، موضوعات فنی برای عموم مردم آنقدر جذابیت ندارند که به صورت معضل مطرح باشند. با این وجود مردم محلی به پیشرفت‌های فنی که به ایشان مربوط می‌شود واکنش نشان می‌دهند. از این‌رو به جلسات عمومی در حوزه‌هایی مانند محیط‌زیست رجوع گسترده‌ای می‌شود. فینبرگ در این رابطه بحث‌های بیشتری را ارایه می‌دهد و در این رابطه می‌گوید: «دگرگونی‌هایی که شاهد ظهور آرام و آهسته آنها در فضای عمومی جامعه هستیم تا حد زیادی به‌خاطر شکل ناملموس و تکه‌تکه خود، نادیده گرفته می‌شوند.»

فرانظریه تکنولوژی

تلاش‌های بسیاری در فلسفه برای تعریف ماهیت تکنولوژی شده است. تشخیص تفاوت‌های ویژه تکنولوژی‌های جدید و تکنولوژی‌های پیشامدرن مورد توجه فیلسوفان معاصر بوده است. فینبرگ استدلال می‌کند که این نظریه‌های متنوع در زمینه تعریف ماهیت تکنولوژی همه‌جانبه هستند و قادر به درک کامل پیچیدگی عینیت خود نیستند. وی از دو سطح از ابزاری‌سازی فنی نام می‌برد و هشت‌جنبه مختلف این دو سطح را تعریف می‌کند. در سطح اول تکنولوژی، عینیت‌های خود را با زمینه‌زدایی و دستکاری کردن‌شان جسمیت می‌بخشد و در سطح دوم با فراهم‌کردنشان در ابعاد زیبایی‌شناختی و اخلاقی باعث می‌شود دوباره اشیای فنی در زمینه قرار گیرند. در تکنولوژی پیشامدرن این دو سطح فقط به‌صورت تحلیلی تشخیص داده می‌شوند؛ اما با توسعه تکنولوژی مدرن به درجه‌ای از نهادهای جداگانه تبدیل می‌شوند. انتظام‌های مختلف و متنوع سطوح و اجزایشان، عقلانیت‌های مجزا را معرفی می‌کنند. در این شرایط ممکن است یک نقد سازنده از فرهنگ تکنولوژی در جامعه و به تصور وجود یک جایگزین، تعمیم داده شود. طرح این نظریه، فینبرگ را قادر ساخت تا در ابعاد مهم نظریات اندیشمندانی چون هایدگر، لاتور، بورگمن و دیگران کنکاش کند. اَندرو فینبرگ درباره نقش پژوهش در حوزه تکنولوژی می‌گوید: «مطالعات علم و تکنولوژی این قابلیت را دارد تا برای توسعه ایده‌ای مشابه به عقلانیت فنی به کار گرفته شود.» لازم به ذکر است تاکنون تنها چهار مقاله کوتاه از مقالات و کتب متعدد او در مجلات، انتشارات و روزنامه‌ها به زبان فارسی برگردان و منتشر شده است. پژوهشگران رشته‌های ارتباطات، فلسفه و مدیریت تکنولوژی و سایر علاقه‌مندان به مباحث مختلف مطالعات تکنولوژی می‌توانند با توجه به حوزه تخصصی و رویکرد نظریات اَندرو فینبرگ، نسبت به پژوهش درباره آثار ارزشمند وی اقدام کنند.

منابع در دفتر روزنامه موجود است

گفت‌وگو با مترجم «امپراتوری فراموش‌شده»

بررسی تمدن ایرانی

جواد لگزیان

سال گذشته انتشارات آمه کتاب «امپراتوری فراموش‌شده» را منتشر کرد. این کتاب با زیرعنوان «جهان پارسیان باستان» توسط جان کرتیس و نایجل تالیس ویراستاری شده و به کوشش فرخ مستوفی منتشر شد و همزمان ترجمه دیگری نیز از همین کتاب با ترجمه خشایار بهاری از سوی نشر فرزان به بازار آمد. به بهانه ترجمه این کتاب گفت‌وگویی داشتیم با فرخ مستوفی.

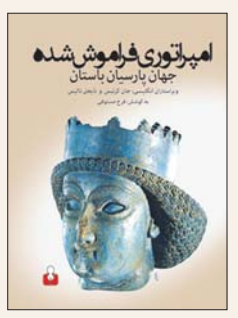

به نظر شما تا چه حد مقالات این کتاب تحت‌تاثیر نگاه غربی است و اگر ایرانیان می‌نوشتند چه تفاوت‌هایی وجود داشت.

به نظر من نگاه غربی کلمه تعریف‌شده‌ای نیست و حداقل استنباط من از این کلمه این نیست که هرکس غربی بود باید با دید خاصی به ایرانشناس یا ایران نگاه کند. افرادی هستند که صرفا به‌خاطر علاقه شدید به دنیای باستان به پژوهش و آموزش در این زمینه‌ها می‌پردازند. البته پژوهشگران بعضی از کشورها بی‌غرض‌تر هستند. آمریکایی‌ها، اتریشی‌ها، فرانسوی‌ها و آلمانی‌ها از این دسته هستند. عده‌ای هم تفکرات ضدایرانی را پنهان می‌کنند. مهم‌ترین نکته در این کتاب تغییر نگرش غربی‌ها در نگاه به شرق به‌ویژه به ایرانی‌هاست. باستان‌شناسان غربی در گذشته ایران و یونان را شرق و غرب به حساب می‌آوردند و خط فاصل بین دموکراسی و جاهلیت و دیکتاتوری قرار می‌دادند. من به این موضوع دید غرب‌گرایانه می‌گویم. در این کتاب سعی شده است به نکات بسیار مثبت تمدن ایرانی که پیش از آن ندیده انگاشته می‌شد اشاره شود و از نگاه سنتی غربی به ایران که ایران را مرکز استبداد تلقی می‌کرد احتراز شود. البته دو مقاله کتاب را ایرانی‌ها نوشته‌اند و خانم وستا سرخوش کرتیس هم ایرانی است و می‌توان تفاوت‌ها را ملاحظه کرد.

مطالعه این کتاب تا چه حد خواننده را با جهان پارسیان آشنا می‌کند؟

سریع‌ترین شیوه درک جهان پارسیان مطالعه این کتاب است. خواننده در یک مجموعه راجع به تاریخ، زبان، باستان‌شناسی، کاخ‌ها و معماری آن دوران، نحوه پذیرایی و غذاهای معمول، زیورآلات، آداب و رسوم، ساختار اداری و نحوه اداره امپراتوری، حمل‌ونقل و جنگ‌افزارهای آن زمان را هم از راه تصویر و هم از راه نوشته درک می‌کند. جدا از آن به رابطه این امپراتوری با همسایگان به‌ویژه یونانیان که نماینده اروپاییان امروزی هستند پی می‌برد. اگر به جهان آن روز نگاه کنیم در ارتباط با ایرانیان و اروپاییان تغییر عمده‌ای ایجاد نشده است. ابتدا یونان و سپس رومیان بر اروپا مسلط شدند و با ایران زمان خود همسایه شدند. در نقشه‌های امروز ایران همچنان پابرجاست اما یونان و روم جای خود را به اتحادیه اروپا داده‌اند که همچنان با ما در چالش و تعاملند.

دلیل کم‌کاری در حوزه مطالعات ایران‌شناسی در غرب را چه می‌دانید؟

امروزه یکی از پردرآمدترین راه‌های درآمدزایی توریسم است. برای این کار باید هرساله صدها مقاله و کتاب راجع به یک کشور معین چاپ شود تا خواننده‌ها با سلیقه‌های مختلف را برای سفر به یک کشور جذب کند. کار در زمینه ایران‌شناسی را باید درواقع به‌عنوان سرمایه‌گذاری و امری زیربنایی نامید. از آنجا که هنوز تکلیف مساله جهانگردی در ایران روشن نیست و با اینکه با بازشدن افق‌های سیاسی متقاضی سفر به ایران چندده‌برابر شده است، هنوز مسوولان به اهمیت سرمایه‌گذاری در زمینه ایران‌شناسی به‌خوبی واقف نیستند. از طرف دیگر، در جوامع غربی ایران‌ستیزی همچنان در دستور کار قرار دارد و از آنجا که بازار توریسم در ایران گرم نیست هنوز بازار سرمایه‌داری از شرایط سیاسی روز پیروی می‌کند، که مایل است جذابیت‌های تاریخی و باستان‌شناسی ایران را کتمان کند.

ویژگی‌های متمایز کتاب چیست؟

کتاب یک مجموعه تصویری بی‌نظیر با چاپ عالی از اشیایی است که امکان تماشای آن تاکنون برای همه میسر نبوده و صرفا به دلیل برگزاری نمایشگاه این اشیا از مخازن موزه‌ها بیرون کشیده شده و به نمایش گذاشته شده‌اند. این تصاویر به خواننده این امکان را می‌دهد که حتی بدون خواندن متن در جریان موضوع فصل‌ها قرار بگیرد و به سرعت عصر هخامنشی را در ذهن خود تصویر کند. برای خوانندگانی که مایلند بیشتر بدانند با اینکه کتاب یک مجموعه رومیزی است فصل‌های کتاب دقیق و فشرده و مستند به تصاویری است که در کتاب آمده و در نتیجه کمتر دچار داستان‌پردازی است و به هر کس امکان می‌دهد به آخرین دستاوردها و اکتشافات باستان‌شناسی راجع به هخامنشیان دست یابد. ویژگی منحصر به فرد کتاب درک این مطلب است که ایرانیان دوره هخامنشی چقدر از لحاظ کردار و رفتار با جامعه مدرن ایران نزدیک بوده‌اند و در عین باستانی‌بودن چقدر مدرن و امروزی هستند.

به نظر می‌رسد کتاب بیشتر به کاخ و زندگی و سفره شاهانه اختصاص دارد و بسیار کم راجع به زندگی اجتماعی مردم زمان هخامنشیان پرداخته است. علت این امر را چه می‌دانید؟

دلیل عمده این کار مستندات کتاب به مراجعی است که علاقه خاصی به زندگی پادشاهان و بزرگان داشته‌اند به‌ویژه نویسندگان یونانی که در این کتاب مکرر به آنها رجوع شده بیشتر راجع به اخلاق و عادات شاهان و طبقات بالای جامعه فارس قلم‌فرسایی کرده‌اند. از طرف دیگر، کاخ‌ها به دلیل سرمایه‌گذاری سنگین و استفاده از سنگ‌های عظیم باقی مانده‌اند و باستان‌شناسان این محل‌ها را مظهر بهترین سلیقه معماری زمان خود به شمار می‌آورند. اسباب و اثاثیه منزل نیز آنچه که متعلق به دربار و ثروتمندان و نجیب‌زادگان بوده است اغلب از طلا و نقره و سنگ ساخته می‌شدند که بسیار بادوام بودند و به دست ما رسیده است. البته باید تاریخ جدیدی با نگاه به زندگی مردم نوشته شود و جای چنین اثری فعلا خالی است.

مطالعه این کتاب را برای نسل امروز چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به نظر من هر ایرانی باید یک جلد از این کتاب را در منزل داشته باشد و چندین بار آن را مطالعه کند. نسل جدید به دلیل مشغله‌های ذهنی بیشتر از همه نیاز دارد تا بداند از کجا ریشه گرفته است. ساختارهای اداری و نظامی اجتماعی کشورش درگذشته چگونه بوده‌اند و این حس عظمت را چگونه می‌تواند در ذهن خود حفظ کرده و برای پیشبرد کشور در حال حاضر به کار برد. ملتی که ریشه ندارد هویت هم ندارد. صدها کشور در جهان تشکیل شده و به دلیل همین بی‌ریشه‌ای و بی‌هویتی از صحنه روزگار محو شده‌اند. جوانان ایرانی باید با مطالعه این کتاب سرّ بقای این سرزمین را خود دریابند و به نسل‌های بعدی منتقل کنند.

لطفا درباره ضرورت ترجمه امپراتوری فراموش‌شده توضیح دهید.

ایران در حال حاضر یک قدرت منطقه‌ای است. در گذشته مردم این کشور هرگاه از زیر یوغ بیگانگان آزاد می‌شدند امپراتوری تشکیل می‌دادند؛ چه قبل از اسلام و چه بعد از اسلام. مقالات این کتاب درواقع به دلیل برگزاری نمایشگاهی به همین نام در موزه بریتانیا به نویسندگان متخصص در زمینه هخامنشیان سفارش داده شده بود، که بعضی از آنها قبل از چاپ کتاب درگذشتند و مقالات آنها با استفاده از یادداشت‌هایشان به‌دست ویراستاران کتاب تکمیل شد. نسخه انگلیسی این کتاب پس از چاپ برنده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شد. آنان که گذشته‌ستیز هستند باید بدانند که کشوری که در آن زندگی می‌کنند و از مواهب آن برخوردارند ناگهان در صحنه تاریخ به وجود نیامده بلکه نتیجه کار و کوشش تدریجی نیاکان ماست. شاهنشاهی یکی از نظام‌های حکومتی بوده که در ایران رواج داشته است. نظام‌های حکومتی در حال تغییر هستند. آنچه ترجمه کتاب را ضروری ساخت این تفکر بود که ما ریشه‌های کنونی قدرت خود را بشناسیم و آن را با گذشته مقایسه کنیم. در جهان کنونی تعداد کشورهایی که بیش از چندهزار سال قدمت تمدنی داشته باشند از انگشتان یک دست تجاوز نمی‌کنند. ما باید بدانیم که چرا هنوز روی نقشه جغرافیا وجود داریم چرا حوزه نفوذ ما همچنان در همان محدوده حکومتی نیاکان ماست.

ریویو

نگاهی به کتاب «فراز و فرود فلسفه در ایران و جهان»

بازگشت به فلسفه

کیهان چگونه به‌وجود آمده، منشأ پیدایش جهان چیست، آرخه یا عنصر نخستین جهان کدام‌یک از عناصر چهارگانه است، دولت- شهر را چگونه باید اداره کرد، مرگ، تولد، اخلاق و فضیلت، خیر و شر، زشت و زیبا، دوست و دشمن و... همگی پرسش‌ها و مفاهیمی است که انسان از لحظه آغاز تفکر با آنها دست به گریبان است. ردپای کنش- تفکر را باید در ارتباط میان فلسفه با سیاست، متافیزیک، هنر، علم، اخلاق و الهیات جست‌وجو کرد.

فلسفه دایما قلمرو خود را جزیی و جزیی‌تر می‌کند. اما تدریس فلسفه در ایران غالبا بر محور حافظه و از برکردن تاریخ فلسفه می‌چرخد. حال آنکه درست اندیشیدن و روشمند فکرکردن نیاز واقعی جهان امروز است و محفوظات به تنهایی گرهی از کوه عظیم مشکلات نمی‌گشاید. در کنار مبانی هستی‌شناسانه، نسبت فلسفه با قدرت و سیاست نیز از جمله مباحثی است که برای فلسفه مهم بوده و هست. هرمز ممیزی در کتاب «فراز و فرود فلسفه در ایران و جهان»

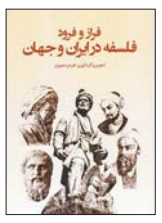

فراز و فرود فلسفه در ایران و جهان

هرمز ممیزی

ناشر: ترقی

قیمت: ۸۵۰۰ تومان

کوشیده تا این پرسش‌ها و مبانی را در قالبی ساده و روان جمع‌آوری کند. هدف کتاب با ضرورت آموزش فلسفه به کودکان و نوجوانان دنبال می‌شود: «آموزش فلسفه به کودک، تفکر او را در زندگی رشد می‌دهد». نگارنده در این کتاب در تلاش است تا مفاهیم اصیل فلسفه و اندیشه متفکران شرقی و غربی را گام‌به‌گام برای کودکان و نوجوانان تشریح کند تا آنها ضمن یادگیری مهارت استدلال و خردورزی، خلاقیت و نگرش عمیق به مسایل را تمرین کنند.

این کتاب در سه بخش جمع‌آوری شده که نگارنده در فصل نخست به چیستی فلسفه، حکمت، منطق، علم کلام، تاریخ فلسفه، عصر رنسانس، نگاهی تازه به جهان و موضوعاتی دیگر که به اندیشه‌های بنیادی در فلسفه می‌پردازد. در بخش بعدی به فلسفه و پیام‌آوران ایرانی می‌پردازد. او در بخش زندگی و آرای متفکران شرقی، بزرگانی همچون زردشت، مانیف مزدک، فارابی، ابن‌سینا، خوارزمی، خیام، ابوریحان بیرونی، سهروردی، ملاصدرا و زکریای رازی را شرح می‌دهد. در بخش آخر فرهنگ هند و اروپایی را توضیح می‌دهد.

نگارنده در این بخش به شرح و بررسی آرای متفکرانی نظیر بودا، تالس، پارمنیدس، هراکلیتوس، امپدوکلس، ارشمیدس، زنون، سقراط، افلاتون، ارسطو، کپرنیک، نیوتن، داوینچی، جان لاک، اسپینوزا، کانت، هگل، مارکس، نیچه، هابرماس، ویتگنشتاین، هایک، فریدمن، سارتر، آرنت، جان دیویی و دیگر متفکران غربی می‌پردازد.

قفسه

نیروهای کار

با استفاده از یک پایگاه اطلاعاتی جدید و مهم در بررسی اعتراض‌های کارگری، بورلی سیلور در کتاب «نیروهای کار» نمایان می‌کند که چگونه جنبش‌های کارگری منطقه‌ای از اواخر سده نوزدهم تا زمان حاضر با فرآیندهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جهانی مرتبط بوده است. وی بر اساس یک تحلیل تجربی دقیق و کامل از چگونگی شکل‌گیری و توسعه صنایع مهم جهانی، نشان می‌دهد چگونه مکان‌های اصلی اعتراض‌های کارگری همراه با جابه‌جایی جغرافیایی محل تولید، از کشوری به کشور دیگر منتقل شده و اینکه جایگاه‌های اصلی اعتراض‌های کارگری در گذر زمان، مطابق با رشد بخش‌های اصلی سرمایه‌داری و فرازوفرودهای آن، تغییر یافته است. سیلور در این کتاب با نگاهی تطبیقی-تاریخی و تحلیلی طبقاتی به بررسی جنبش‌های کارگری و ارتباط الگوهای اعتراض‌های جهانی کارگری با نیروهای محرکه اقتصادی و سیاسی سرمایه‌داری جهانی در ۱۳۰سال گذشته می‌پردازد و نشان می‌دهد که اعتراض‌های کارگری به‌طور عمیق، بر بستر نیروهای محرکه سیاست‌های جهانی (هم در مقام علت و هم معلول) قرار گرفته است. سیلور همچنین با دنبال‌کردن مسیر پرفرازونشیب جنبش‌های کارگری در دوران گذشته و با بررسی بحرانی که جنبش‌های کارگری دوران معاصر با آن در سطح جهانی روبه‌رو هستند، برخلاف نظر بدبینانه کسانی که این بحران را چاره‌ناپذیر می‌انگارند، به این نتیجه می‌رسد که به‌رغم فروکاستن از مبارزات کارگری در دوران کنونی، جنبش‌های پرقدرت کارگری در سده بیست‌ویکم رخ خواهد داد. مطالعه این کتاب برای کسانی که گذشته، حال و آینده جنبش‌های کارگری را بررسی می‌کنند پراهمیت است، چراکه نویسنده به پیگیری مبارزات طبقاتی و جنبش‌های اجتماعی در مقیاسی جهانی و تاریخی می‌پردازد. این کتاب تاکنون به زبان‌های آلمانی، اسپانیایی، ایتالیایی، ترکی، لهستانی، کره‌ای و چینی منتشر شده است. سیلور در کتاب «نیروهای کار، جنبش‌های کارگری و جهانی‌سازی از ۱۸۷۰ تاکنون» در فصل اول نگاهی دارد به پژوهش‌های کارگری که تاکنون صورت پذیرفته است و مسایل و موضوعات تئوریک، مفهومی و روش‌شناختی برآمده از بررسی اعتراض‌های کارگری را به‌عنوان یک پدیده جهانی-تاریخی مطرح می‌کند. او در دومین فصل بر نیروهای محرکه اعتراض‌های کارگری و جابه‌جایی‌های سرمایه در گستره

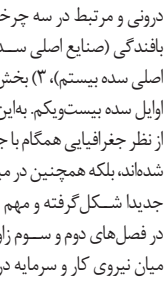

نیروهای کار

جنبش‌های کارگری و جهانی‌سازی از ۱۸۷۰ تاکنون

بورلی سیلور

ترجمه: سوسن صالحی

ناشر: دات

جهانی متمرکز می‌شود؛ به‌ویژه بر جابه‌جایی‌هایی که به‌طور گسترده در صنعت اصلی سده بیستم -صنعت جهانی خودروسازی- صورت گرفته است. این فصل، گسترش جهانی تولید انبوه خودرو را از خاستگاه آن در دیترویت آمریکا تاکنون پی می‌گیرد. این فصل، با استفاده از منابع پایگاه اطلاعاتی گروه جهانی کار نشان می‌دهد چگونه عملا در هر جا که تولید انبوه خودروسازی به‌سرعت ایجاد شده و گسترش یافته است، جنبش‌های قدرتمند کارگری را نیز -امواج اعتراض‌های کارگری از نوع مدل مارکسی- به وجود آورده و باعث کسب مطالبات عمده‌ای جهت بالابردن دستمزدها و بهبود شرایط کار شده است. این فصل، الگویی تکرارشونده را نمایان می‌کند که در آن، کنسرن‌های خودروسازی چگونه در برابر هر موج جدیدی از اعتراض‌های کارگری با جابه‌جایی تولید از جایی به‌جای دیگر که نیروی کار ارزان‌تر و قابل‌مهارتر بود، به واکنش پرداخته است. این راهبرد جابه‌جایی سرمایه در تضعیف جنبش‌های کارگری در جایگاه‌هایی که سرمایه آنجا را ترک کرده، تاثیرات چشمگیری داشته، اما در جایگاه جدید توسعه صنعت، موجب شکل‌گیری و قدرت‌یابی جنبش‌های نوین کارگری شده است. فصل سوم، مفهوم «ساماندهی [خطوط جدید] تولید» را مطرح می‌کند، به این معنا که تلاش سرمایه‌داران برای افزایش سود و کنترل نه‌تنها از طریق جابه‌جاشدن به منطقه جدید جغرافیایی یا دگرگونی فرآیند کار صورت می‌پذیرد، بلکه با جریان سرمایه به‌سوی صنایع و خطوط تولیدی جدیدی کمتر در معرض رقابت‌های شدید و دیگر بازدارنده‌ها، انجام می‌گیرد. فصل سوم همچنین به نیروهای محرکه درونی و مرتبط در سه چرخه تولید کلان صنعتی می‌پردازد: ۱) صنعت جهانی بافندگی (صنایع اصلی سده نوزدهم)، ۲) صنعت جهانی خودروسازی (صنایع اصلی سده بیستم)، ۳) بخش‌های جدیدا شکل‌گرفته و مهم اواخر سده بیستم و اوایل سده بیست‌ویکم. به‌این ترتیب درمی‌یابیم که اعتراض‌های کارگری نه‌تنها از نظر جغرافیایی همگام با جابه‌جایی‌های تولید در درون صنایع مختلف جابه‌جا شده‌اند، بلکه همچنین در میان بخش‌های تولیدی نیز همراه با فرازوفرود صنایع جدیدا شکل‌گرفته و مهم در گذر زمان جابه‌جا شده‌اند. در حالی که سیلور در فصل‌های دوم و سوم زاویه دید خود را آگاهانه بر نیروی محرکه مناسبات میان نیروی کار و سرمایه در ارتباط با بازسازی‌های تکرارشونده فناورانه، مکانی و سازمان تولید در روندهای انباشت سرمایه‌داری، متمرکز کرده است، در فصل چهارم با زاویه دید روشن‌تری، مدل می‌سازد که مسیر کلی اعتراض‌های جهانی کارگری (و همچنین تجدید ساختار سرمایه‌داری) به‌طور عمیقی با نیروهای محرکه شکل‌گیری دولت‌ها، مناقشات بین دولت‌ها و جنگ جهانی گره خورده است. به‌واقع با بهره‌گیری از داده‌های پایگاه اطلاعاتی گروه جهانی کار روشن می‌شود که مشخص‌ترین ویژگی اعتراض‌های کارگری در تمامی دوران سده بیستم، ارتباط قوی میان امواج اعتراض‌های کارگری و جنگ‌های جهانی و در همین راستا ارتباط میان اعتراض‌های کارگری و هژمونی‌های جهانی است. فصل چهارم به بازگویی اعتراض‌های کارگری سده بیستم و سیاست‌های جهانی به‌عنوان یک موضوع محوری می‌پردازد و به این ترتیب آخرین ساماندهی یعنی ساماندهی مالی را مطرح می‌کند. همچنان که سرمایه در گریز از فشارهای شدید رقابتی از حوزه‌های موجود تولید، به سوی صنایع نوین و خطوط جدید تولید حرکت می‌کند (همان ساماندهی تولید)، در دوره‌های رقابت شدید و گسترده، به خروج کامل از خط تولید و ورود به بازارهای سهام و بورس‌بازی (اسپیکولاسیون) و سرمایه مالی تمایل نشان داده است. با استفاده از مفهوم «توسعه مالی» از زبان جووانی اریگی، این راهبرد «ساماندهی مالی» نامیده شده است.